

فرهنگ نام‌واژه‌های ایرانی

و

شاهنامه

پیش‌کش به همه‌ی ایرانیان میهن پرست،
نیک‌پندار، نیک‌گفتار و نیک‌کردار

و

پیش‌کش به شادریان، مهربان، دلسوز و سخت‌کوشم
ماه‌ناز (ماه نگار) خوش‌بیت دختر شاه‌سلطان (مادر بزرگم).

پژوهشی دیگر:

کوروش کرمی پور

انتشارات نوید شیراز

به نام خداوند جان و خرد

سرشناسه	: کرمی پور، کوروش (علی باز)، ۱۳۳۷-
عنوان قراردادی	: شاهنامه. شرح
عنوان و نام پدیدآورنده	: فرهنگ نام‌واژه‌های ایرانی و شاهنامه/ تالیف کوروش (علی باز) کرمی پور؛
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۷۴-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
داشت	: کتابنامه: ص. ۳۳۶.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نام‌ها
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- واژه‌نامه.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- تفسیر
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نام‌های جغرافیایی
موضوع	: فارسی -- واژه‌ها
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ق ۵۴ / PIR۴۴۹۴/۵۴
رده بندی دیویی	: ۸۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۱۹



فرهنگ نام‌واژه‌های ایرانی و شاهنامه

تألیف: کوروش کرمی پور

طرح جلد: کانون آگهی و تبلیغات سی راه □ لیتوگرافی و چاپ. و اصف □ تراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۵ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۶۶۶۱-۳۲۲۲۹۶۷۶ نمابر

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۲۱-۸۸۹۲۱۵۲۲

پست الکترونیکی: Navideshiraz.Pub@Gmail.com

وب سایت: www. navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۷۴-۰۰ ISBN: 978-600-192-574-0

۱۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

VIII	 سپاس گویی:
۹	 چکیده‌های از زندگی نویسنده:
۱۳	 این کتاب برای کیست:
۱۵	 سخنی چند با پارسی نویسان:
۱۷	 گفتار اندر فراهم آوردن این کتاب:

بخش نخست

۲۷	 فهرست واژه‌های ناآشنا در شاهنامه:
----	---

بخش دوم

۹۳	 گاهان باستانی:
۹۵	 جشن نوروز:
۹۹	 جشن مهرگان:
۱۰۴	 جشن سده:
۱۰۸	 جشن تیرگان:
۱۱۱	 جشن آبریزگان:
۱۱۱	 جشن اردیبهشتگان:
۱۱۲	 جشن خردادگان:
۱۱۲	 جشن امردادگان:

- ۱۱۳..... جشن شهریورگان:
- ۱۱۳..... جشن آبانگان:
- ۱۱۴..... جشن آذرگان:
- ۱۱۴..... جشن خرم روز:
- ۱۱۵..... جشن بهمنگان:
- ۱۱۵..... جشن اسپندارمذگان:
- ۱۱۶..... جشن اسفند و چهارشنبه سوری:
- ۱۱۶..... جشن زرتشتی ماه:

بخش سوم

- ۱۱۹..... فهرست فراگیر نام های انسانی که در شاهنامه آمده:
- ۱۱۹..... ایرانی ها
- ۱۳۹..... تورانیان
- ۱۴۳..... رومیان
- ۱۴۴..... دیوان
- ۱۴۴..... هندی ها
- ۱۴۵..... چینی ها
- ۱۴۶..... مصری ها
- ۱۴۶..... عرب ها

گوناگون ۱۴۷

بخش چهارم

فهرست فراگیر نامهای جغرافیایی که در شاهنامه آمده: ۱۴۹

شهرها ۱۴۹

دشت ها ۱۵۴

دژها ۱۵۵

دریاها ۱۵۶

کوه ها ۱۵۷

رودخانه ها ۱۵۸

جای ها ۱۵۹

سرزمین ها ۱۶۳

کشورها ۱۶۵

گوناگون ۱۶۶

بخش پنجم

فهرست واژه های پارسی: ۱۶۷

ا ۱۶۸

آ ۱۸۸

ب ۱۹۰

۲۰۱..... پ

۲۰۲..... ت

۲۱۷..... ث

۲۱۸..... ج

۲۲۲..... ح

۲۲۳..... ح

۲۲۹..... خ

۲۳۵..... د

۲۳۹..... ذ

۲۴۰..... ر

۲۴۴..... ز

۲۴۵..... ژ

۲۴۶..... س

۲۵۱..... ش

۲۵۵..... ص

۲۵۸..... ض

۲۵۹..... ط

۲۶۲..... ظ

۲۶۲.....	ع
۲۷۰.....	غ
۲۷۳.....	ف
۲۷۸.....	ق
۲۸۳.....	ک
۲۸۷.....	ح
۲۸۷.....	ل
۲۹۰.....	م
۳۲۱.....	ن
۳۲۸.....	و
۳۳۲.....	ه
۳۳۴.....	ی
۳۳۵.....	فهرست منابع:

چکیده‌ای از زندگی نویسنده:

زاده ۱۷ اسفند ۱۳۳۷ در شهر آبادان هستم. نخستین یادمانده‌هایی را که هنوز از زمان کودکی به یاد می‌آورم وابسته به سال‌های سه یا چهار سالگی‌ام هستند که در کوچه درنرو^۱ (ولایت ۹) در خیابان عروسی (بلوار ولایت) و پس از آن در احمد آباد لین یک و سده‌ی آبادان رخ داده‌اند. نخستین کلاس آغازین را در دبستان "گلستان سعدی" که نام کنونی آن "سعید ملایمی" است، نزد دایی‌ام گذراندیم، و کلاس دوم را در دبستان "گلشن" در خیابان عروسی در آبادان که اکنون نام آن به "دبستان راهنمایی هیت امنای علی ابن ابی طالب" دگرگون گشته است گذراندیم. کلاس‌های سوم و چهارم را در دبستان محمد رضا پیرانی پیرشاهی [این دبستان دیگر برجا نیست] در آبادان، و کلاس‌های پنج و ششم را در دبستان خاتمی در شیراز به پایان رساندم.

در سال‌های دوازده تا هیجده سالگی سرگرم کارهای فنی کارگاهی در پیوند با خودروهای سبک و سنگین در شیراز و برازجان شدم. پس از آن همراه با دوستم "رحمان بکر" که در کلاس پنجم دبستان با او آشنا شده بودم و دوست دیگرم "سعید گلچین" (هر دو از حوالی فلکه فرودگاه قدیم شیراز) سه در سال، نوجوانی و از سوی رحمان با او آشنا شدم، هر سه همراه با هم در سال ۱۳۵۶ به خدمت مقدس سربازی رفتیم. چهار ماه نخستین سربازی را در پایگاه آموزشی ۰۵ (صفر پنجم) تهران گذراندیم. پس از آن، من و رحمان به هواپرد شیراز فرستاده شدیم و سعید به پایگاه پیاو^۲ شهاب چرای آن را نمی‌دانم، شاید سرپرستی باغ ارم به پایگاه پیاده شیراز واگذار شده بود، ولی در هنگامه‌ی^۲ سربازی سعید بسان یک باغبان در باغ ارم شیراز هنگامه‌ی خدمت

^۱ پیش از این، این کوچه بن بست بود و به همین روی آن را "درنرو" می‌نامیدند، ولی هم اکنون دیگر درنرو نیست و به کوچه‌ای دربرو دگرگون گشته.

^۲ ایلام

می‌گذراند و بیشتر کارش چیدن گلها بود. برخی گاه‌ها در این گمان فرو می‌روم که بیخود نبوده که نام خانوادگی ایشان "گلچین" بود.

پس از خدمت سربازی برای یکی دو سال دیگر به کار تعمیر بدنه خودرو در برازجان و در کارگاهی که خود برپا کرده بودم سرگرم بودم تا اینکه در سال ۱۳۶۰ مرا با دوستم سعید با آهنگ رفتن به آمریکا به خارج از کشور (پاکستان) روانه شدیم. برنامه این بود که دو هفته‌ای در پاکستان بگذرانیم و پس از آن به آمریکا نزد برادر سعید راهی شویم. ولی ناگزیر وادار شدیم که چهار ماه در پاکستان بمانیم و پس از آن بدون برنامه به سیر من به هند رفتیم و سعید به ایران بازگشت. من بیست ماه آینده را در هند گذراندم. پس از گذشت یک سال در هند از ایران آگاهی رسید که سعید کوشیده بود تا دوباره از کشور من شود اما این بار از راه افغانستان، ولی شوربختانه به روشی که هیچگاه آشکار گردید سعید در آن رهگذر در افغانستان جان به جان آفرین سپرد. روانش شاد باد. در بازگشت به ایران و پس از نزدیک به بیست سال جدایی دوباره رحمان را در شیراز یافتیم. وی اکنون باز بنسخته شرکت پتروشیمی و همچنین از بهترین سازنده‌های تار در کشور است و به حدیث که به نکیساز تغییر نام داده. رحمان (نکیساز) بکر و سعید گلچین از بهترین دوستان و ماندگارترین یادمانده‌های من از دوران نوجوانی‌ام در شیراز و ایران زمان شاه هستند، یادشان در راه.

هنگامه‌ای که در هند بودم بسیار دگرگور بود با آنچه که پیش از آن زندگی کرده بودم. در هند بود که با اندیشه‌های دگرگونه آشنا شدم. تا آن هنگام من هرگز فلسفی و به جهانی جدا از جهان مادی نیندیشیده بودم. آنجا بیشتر با کسانی برخورد کردم که دارای اندیشه‌های فلسفی و روشی دگرگونه از زندگی بودند. سوای چند دوست هم-میهن که از آغاز درآمدن به هند با آنها آشنا شده بودم، دیگر دوستان من جهانگردانی بودند از کشورهای پیشرفته جهان نخست و بیشتر هم جوانان راهی از کشورهای

اروپای باختری. با اینکه در هند زندگی می‌کردم ولی هیچ دوست هندی نداشتم. زبان انگلیسی را در نشست و برخاست و در پیوند با همین دوستان انگلیسی زبان فرا گرفتم، دو سالی که در هند و پاکستان بودم پیشرفتم در فراگیری زبان انگلیسی به اندازه‌ای بود که آنگاه که برای نخستین بار به انگلستان درآمدم، کارگزار بخش مهاجرت در فرودگاه لندن نمی‌توانست بپذیرند که من پیش از این در انگلستان نبوده‌ام.

دو ده سال نخست در انگلستان اندیشه و روش زندگی من در راستای همان دیدگاه فلسفی بود که در هند با آن آشنا شده بودم. به گشت و گذار دلبستگی و گرایش فراوان داشتم. به همین شوندا^۱ به بسیاری از کشورهای اروپایی گذر کردم. گذری هم به مارتینیک. در آمریکا ای نیمروزی و در دریای کارائیب داشتم که بخشی از درس جامعه‌شناسی دوران پیش از نگاه‌های ام بود. پس از پایان کارشناسی برتر در رشته دانش رایانه (هوش ساختگی/سامانه‌های آ^۲) و کار در چند شرکت رایانه‌ای در ایرلند، انگلستان و آلمان، در ۴۰ سالگی به ایران باز آمدم و در سال ۱۳۷۸ در شیراز پیوند زناشویی بستم. سه چهار سال آغازین را پی‌در پی بین ایران و انگلستان در گذر بودم تا اینکه در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود^۳ به کار کردم و تا به امروز هم ادامه دارد. از کارم خشنود و از پیوند تنه‌ای که با دانشجویان دارم خرسندم.

در سال ۱۳۸۵ بود که گرایش و مهر من به دیرینه‌شناسی^۴ و فرهنگ ایران زمین به گونه‌ای ناگهانی و با رشدی روزافزون آغاز به رستن کرد. هم اکنون دوست دارم که توان برآمده از این مهر نویافته را در راستای جستاری تاریخی-فرهنگی به پیش برم و دستاورد آن را به مردم ایران پیشکش کنم.

از آن رو که من دو ملیتی و دارای دو شناسنامه هستم، از کسانی که در بررسی و جستارشان از این کتاب بسان سرچشمه بهره می‌گیرند خواهشمندم افزون بر نام و شابک کتاب از نام نویسنده بسان زیر یاد کنند، سپاسگزارم:

علی باز کرمی پور (Ali Baz Karamipour) / (Cyrus Ferdosi).

سپاسگزارم

شیراز، بهار ۱۳۹۵

www.ketab.ir

این کتاب برای کیست:

به زبان ساده، برای هر کس که به شاهنامه خوانی، دیرینه، زبان و فرهنگ ایرانی مهر ورزد و یا خواستار بررسی و جستار در آن باشد.

شاهنامه تنها کتاب سروده‌های پهلوانی و دلاورانه نیست. شاهنامه بن مایه‌ای بسیار بزرگ، سرچشمه‌ای از آگاهی‌هاست که هر ایرانی با خواندن و بررسی آن به راه و روش، یاکان خود، باورها، دیدگاه‌ها و ارزش‌های مردمی مانند دلیری، رادمنشی، جوانمردی، اندیشه دینات، پهلوانی، سپاس دانی، میهن پرستی، راستگویی و باورهای فلسفی ایرانیان و ردوبل و رخدادهای راستین وابسته به گذشته این مرز و بوم پی می‌برد.

آیا شاهنامه افسانه است؟ در این باره گفتار و گفته‌ها بسیارند. هر کسی بنا بر پنداشت، باور و یا برداشت خویش در شاهنامه، در این راستا چیزی گفته است. پیش نهادن دیدگاهی استوار و ارزشمند بر پایه راستی در باره شاهنامه به چند چیز نیاز دارد: نخست آگاهی از تاریخ و فرهنگ ایران باستان، سپس داشتن منشی خردورز و خداجویانه، و در فرجام پشتکار و کوششی دراز دامنه در راستای شناخت فردوسی و شاهکارش (شاهنامه). من در نخستین کتابم "راز کورس بزرگ" چاپ انتشارات علمی، که هم اکنون چاپ سوم آن در کتابفروشی‌ها در دسترس است، با بهره‌گیری از سروده‌های شاهنامه در راستی آزمایی گواهیمندی‌های^۱ تاریخی نشان داده‌ام که در بسیاری از جاها در شاهنامه، فردوسی به گونه‌ای بسیار آشکار و موشکافانه و بدون اینکه خواننده را در دو دلی و گمان رها کرده باشد، پیوندی تنگاتنگ بین سروده‌هایش از یک سو و رخدادهای تاریخی و فرهنگ مردم ایران باستان از سوی دیگر وجود دارد.

برای اینکه به این گفته باورمند شوید بس است که با بهره‌گیری از نام‌نامه کتاب راز کوروش بزرگ چاپ سوم، به همه رویه‌هایی که در آنها از فردوسی یا شاهنامه یاد شده است بازگردید. خود فردوسی هم در این باره می‌سراید:

روی هم رفته، هر آنکس که در یکی از شش گروه زیر بگنجد این کتاب را سودمند می‌یابد:

۱. برخی از آن خدایان خواندن شاهنامه هستند ولی به شوند^۱ واژه‌های سخت و ناآشنا در شاهنامه خواندن آن روی گردانند. این کتاب گره کار این دسته از خوانندگان را تا اندازه بسیار (بیش از ۹۰ درصد) گشاده است. ایشان می‌توانند با بهره‌گیری از فهرست واژه‌های ناآشنا^۲ در شاهنامه به آسانی به چم^۳ بیشتر واژه‌های سخت در شاهنامه پی برده و سروه‌های فردوسی را بهتر دریابند.
۲. پژوهشگران با بهره‌وری از فهرست^۱ و سایر نام‌کسان، جاه‌ها، مکان‌ها، رودخانه‌ها، کوه‌ها، دژها، شهرها و جایگاه جغرافیایی آنها و دیگر می‌توانند به آگاهی‌های گرانمایی دست یابند. آنهایی که نیازمند به، ریشه‌یابی^۲ و پیوندهای خویشاوندی یا دودمانی در شاهنامه هستند با پیگیری پیوندهای خویشاوندی در فهرست^۱ فراگیر نام‌کسانی که در شاهنامه آمده می‌توانند به راست‌هایی تازه و نفوذ^۳ دست^۲ راست^۱ برای نمونه، با اینکه همه‌ی مردم ایران در باره‌ی رستم چهره پهلوانی شاهنامه شنیده‌اند و یا وی را بهتر از دیگران می‌شناسند، اما کمتر کسی می‌داند که ایشان چند فرزند^۱ همسر داشته نام فرزندان^۲ چه بوده، داماد رستم چه کسی و از چه تیره‌ای است، و یا اینکه رستم چند

^۱ دلیل

^۲ معنی

^۳ خوب

برادر داشته و کدام یک از آنها برادر ناتنی بوده، نام نوه‌ها یا پدربزرگ و مادربزرگ رستم چه بوده و اینکه ریشه‌ی خانوادگی آنها به ضحاک برمی‌گردد، و دیگر چیزها.

همین ریشه‌یابی خویشاوندی را می‌توانید در باره‌ی همه‌ی نام‌هایی که در فهرست نام‌ها آمده‌اند انجام دهید. یا اینکه به آسانی می‌توانید از جایگاه جغرافیایی قلمروها، شهرها، دژها، رودخانه‌ها، سرزمین‌ها و دیگر جاها آگاه شوید. در فهرست واژه‌های پارسی، بدنی است که با واژه‌هایی آشنا شوید که پیش از این با آنها رو به رو نشده بودید. و آگاهی‌هایی از این دست.

۳. آنهایی که مهر به گزینش نام‌های شاهنامه‌ای دارند. فهرست نام کسان در شاهنامه فراگیر است. هر نامی که در شاهنامه هست در این فهرست گنجانده شده.

۴. آنهایی که خواستار هرچه بیشتر پارسی‌نویسی یا سخن گفتن هستند. در این کتاب خوشبختانه برای بیشتر واژه‌های بیگانه بیش از دو یا سه واژه هم‌تراز پارسی یافت می‌شود.

۵. آنهایی که خواهان آگاهی هرچه بیشتر از فرهنگ ایران باستان هستند.

۶. ویراستارانی که خواهان پارسی‌نویسی هستند.

سخنی چند با پارسی‌نویسان:

یا بهتر است بگویم سخنی چند با ایرانی‌نویسان، چون برخی از واژه‌ها پارسی نیستند ولی بیگانه هم نیستند. مانند واژه‌های کردی، آذری، بلوچی، خوزستانی، خراسانی، زابلی، شمالی و دیگر... ولی از آنجایی که بزرگ‌ترین بخش گفتاری و نوشتاری زبان مردم ایران را واژه‌های پارسی فراهم می‌آورند، زبان مردم این مرز و بوم پارسی نامیده می‌شود.

در راستای پارسی نویسی، نباید کوشش بر آن باشد که هیچ واژه بیگانه‌ای به کار گرفته نشود، چون در این هنگامه از زمان این کاریست نشدنی، شاید هم به همین شوند^۱ است که فردوسی از به کار بردن واژه‌های تازی^۲ در شاهنامه پرهیز نکرده است. اگر هم شدنی باشد به بهای آن خواهد بود که گروه بسیاری از خوانندگان از دریافت درون مایه‌ی سخن باز بمانند و خواندن این گونه نگاشته‌ها را نومیدانه و نیمه کاره به کاری بگذارند. بهتر است که نویسندگان به گونه‌ای بنویسد که با به کار گرفتن کمترین شمار واژه‌های بیگانه، لپ سخن را به بیشترین بخش از خوانندگان برساند. روش کار می‌واند در همین باشد؛ برای نمونه نویسندگان می‌توانند به گونه‌ای بنویسد که خواننده بتواند به سبب واژه‌های کمتر شناخته شده به درستی گمان برد، یا اینکه برای چند رخداد آغازین هر واژه‌ی سخت و نا آشنا، نویسنده چم واژه را در پی نوشت رویه بیاورد تا خواننده بدون گسست از خواندن بتواند به چم آن واژه پی برد. یا اینکه در پایان کتاب فهرستی از واژه‌های ناآشنا^۳ را هم آورد.

کتابی که یکپارچه پارسی نوشته شده باشد ولی خوانده نشود کم و بیش بیهوده است. بنابراین نویسندگان باید میانه‌ای از پارسی ویسی و روان نویسی را برگزینند که نه تنها به شوند پارسی نویسی خواننده خسته و زده نشود بلکه خواست وی به خواندن هر چه بیشتر از این دست کتاب‌ها برانگیخته شود.

گفتار اندر فراهم آوردن این کتاب:

پس از اینکه نخستین کتابم "راز کوروش بزرگ" را به پایان رساندم و به چاپ درآمد، به این آگاهی رسیدم که باید پژوهشی هم در شاهنامه داشته باشم، ولی کدام چاپ؟ همان گونه که آگاه هستید چاپ‌های گوناگونی از شاهنامه در دست است که در برخی از آنها سروده‌ها با هم دگرجور هستند هرچند که این دگرگونی در بسیاری از آنها اندک است. به همین شوند برای بیشتر مردم دشوار است که یکی را بر دیگری برتری دهند. هرچه که شاهنامه‌ی چاپ مسکو نزد همگان شناخته شده‌تر است ولی نمی‌توانستم به این بسنده کنم. من باید به بهترین بودن آن چاپ از شاهنامه که شالوده کار من را بنیاد می‌نهاد، من و دل استوار می‌بودم. به همین شوند نیاز به رای کارشناسانه در این باره داشتم.

در هنگام برپایی نمایشگاه کتاب در شیراز یا تهران جویای ناشران با پیشینه در این باره شدم و با آنها رای زدم. از بررسی کارشناسان بنام و پر آروین^۱ در کار شاهنامه هم شنیده بودم که چاپ بروخیم خوب است و برخی آن را بر چاپ مسکو برتری می‌دادند. دستاورد این پرس و جو این شد که از پویش^۲ شاهنامه‌ی چاپ طلایه آگاهی یافته و دریافتم که این همان شاهنامه ایست که من در پی آن بودم.

شاهنامه‌ی چاپ طلایه را به آن شوند برگزیدم که این شاهنامه را راستی برآمده از چندین شاهنامه است. به این چم که فراهم کنندگان شاهنامه طلایه، چندین شاهنامه‌ی گران‌سنگ را از دسته شاهنامه‌های چاپ مسکو، چاپ پاریس، چاپ لومسدن، چاپ فلورنس، چاپ بروخیم، چاپ کلکته، چاپ تهران، چاپ طه، یک شاهنامه‌ی خطی، و یک چاپ دیگر به نام چاپ V، روی هم رفته ده شاهنامه را پیش

^۱ تجربه

^۲ وجود

آورده‌اند و یکی از آنها (چاپ بروخیم) را که به رای استادان کاردان و شاهنامه‌شناس آقایان عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی و سعید نفیسی (تصحیح کنندگان شاهنامه-ی چاپ طلایه) بهترین بوده و در سرچشمه کار جای داده‌اند و هر کجا که دگرگونگی هرچند کوچک در برابری این شاهنامه (چاپ بروخیم) با هر کدام از نه شاهنامه‌ی دیگر یافت شده آن را در پی نوشت همان رویه^۱ آورده‌اند. به همین شوند شاهنامه‌ی چاپ آریه دارای بیش از چهل هزار پی نوشت و ۳۵۰۰ رویه در چهار جلد می‌باشد. به خنی دیگر، با بررسی شاهنامه‌ی چاپ طلایه، پژوهشگر به گونه‌ی همزمان درگیر بررسی شاهنامه‌ی چاپ آریه است. بنابراین پذیرفتنی است که دستاورد من در این کتاب هر شاهنامه‌ی آورده‌شده را هم در بر بگیرد.

پس از برزیدن شاهنامه‌ای شایسته، کنون باید روش پژوهش را برمی‌گزیدیم. از آنجایی که پیش از بررسی و جستار در شاهنامه آگاهی من از آن بسیار اندک (نزدیک به بوج) بود، بر آن شدم که «من با خواندن شاهنامه آن را رویه برداری کنم تا اینکه درون مایه این کتاب به خوبی دریافتم شود. رویه برداری از هر چهار جلد شاهنامه‌ی چاپ طلایه، همراه با همه‌ی پژوهش‌هایش دو سال به درازا کشید. با بهره‌گیری از نرم افزار Word این کار انجام شد و آن را به این نام انباشت کردم. شوند من برای رویه‌برداری شاهنامه چند بود. نخست اینکه بن مایه کتاب را به بهترین سان دریابم، دوم اینکه پس از دو سال شاهنامه‌ای در دست داشتم که کامل می‌توانستم با به کار گرفتن رایانه هرگونه جستجویی را با شتاب بسیار در آن انجام دهم و کار چند ماه را به چند ثانیه کاهش دهم.

برای نمونه در اندیشه بپندارید شاهنامه‌ای چهار جلدی با ۳۵۰۰ رویه و بیش از ۵۲۰۰۰ (نزدیک به ۶۰۰۰۰ با "ملحقات") بیت را به شما بدهند و از شما بخواهند

که بررسی کرده و بیابید که فردوسی در باره جشن تیرگان چه سروده است. به روش نهادینه شده، شما باید از نخستین رویه‌ی کتاب آغاز به خواندن یا دست کم نگاه به ابیات کنید و هر کجا که واژه "تیرگان" را یافتید آن بیت و بیت‌های پس و پیشش را بررسی و رونبشت کنید. به گمان بسیار شما چنین آورینی^۱ را نیازموده‌اید ولی باورمند باشید که با آهنگ و استوارترین کسان پس از بررسی چند ده رویه و چند صد پی نوشت، وارد شده. درمانده از خستگی، کمینه^۲ آن را برای چند گاهی کنار می‌گذارند. حال چندان که از شما خواسته شده باشد همین کار را برای هزاران واژه یا ابیات انجام دهید. پاسخ ساده است: با روش نهادینه شده و روزمره کنونی حتی با گذاشتن سال‌ها زمان، این کار شدنی است. ولی با بهره‌بری از توانایی رایانه هر جستجویی را در این انبوه از نبشته و ابیات و پیش از آن را هم می‌شود در چند ثانیه و بیشینه^۳ در چند دقیقه انجام داد.

هرچند که می‌توانستم شاهنامه‌ای را در اینترنت پیدا و با بهره‌گیری از رایانه در آن جستجو کنم، حتی اگر کامیاب به یافتن چنین شاهنامه‌ای هم می‌شدم، این روش دو کاستی داشت: نخست اینکه من تنها به یک شاهنامه دست می‌یافتم، کنون آنکه، همان گونه که گفتم شاهنامه‌ی چاپ طلایه برگرفته از شاهنامه است. به سخنی دیگر هر جستجویی که در شاهنامه‌ی چاپ طلایه انجام می‌دهم همانند آن است که همزمان در ده چاپ دگرگون جستجو کرده باشم. گذشته از این، شاهنامه‌ها را که نخوانده و بررسی نکرده‌ام چگونه می‌توانستم بدانم که در پی چه باید در آن جستجو کرد. بنابراین، پیش از هر چیز نیاز به جستاری ژرف در شاهنامه بود و برای اینکه

^۱ تجربه‌ای^۲ حداقل^۳ حداکثر

دست‌آورد این جستار بهتر دریافت شود بر آن شدم که آن را افزون بر خواندن بنویسم (رویه برداری کنم).

پس از اینکه ابزار و شیوه کار روشن گشت، آغاز به بررسی شاهنامه و رویه برداری همزمان از آن کردم. در این راستا هرگاه به نام کسی یا شهری، دهکده‌ای، کوهی، رودخانه‌ای و از این دست بر می‌خوردم آن را یادداشت می‌کردم، و هر گاه در ابیات سپسین به داده‌های تازه تری در باره چیزی که یادداشت کرده بودم بر می‌خوردم آن را به یادداشت بدین می‌افزودم. به این سان انبوهی از داده‌ها در پیوند با یادداشت‌هایم گرداورد. در بررسی از داده‌ها نه چندان سر راست به دست می‌آمدند. بیشتر گاه‌ها با کنکاش در داده‌های گوناگون ولی وابسته به موردی ویژه، راستی فراگیرتر فراز می‌آمد. همین روش را یافتن نامگذاری‌ها در یافته‌هایم و زدودنشان هم کاربردی همانند داشت. با بهره‌گیری بر تالی رایانه‌ای^۱ جستجو میان هزاران هزار رج نبسته^۲ از یادداشت‌هایم در اندک زمانی به راستی نو دست می‌یافتم.

واژه‌های سخت (ناآشنا) را در فهرست بداتنه جای می‌دادم تا اینکه پس از پایان رویه برداری بتوانم با استفاده از رایانه در اندک زمان همه شاهنامه را در پی رخداد یک یک آنها جستجو کنم. با دریافت چم هر واژه در دسترس رفته رفته کاربرد آنها بیشتر آشکار می‌گشت تا اینکه به چم فراگیر و راستین هر واژه در دسترس شاهنامه بهتر آگاه گشتم. با این همه، ناگفته نماند که چم شمار اندکی از واژگان هنوز هم بر من پوشیده است.

اگر واژه یا بیتی اندیشه‌ام را درگیر خود می‌کرد و می‌سپیدم^۳ که پیش از این در این باره به چیزی همانند برخورد کرده‌ام، با بهره‌گیری از توان بالای رایانه و با کمی

^۱ سطر

^۲ احساس می‌کردم

زیرکی در روش جستجو تنها در درازنای چند ثانیه می‌توانستم در باره درستی یا کژی آنچه می‌اندیشیدم باورمند شوم. انبوه این داده‌ها و جستجوی شتابان در آن توان واکنشی بسیار بالایی به من داد، حتی می‌توانستم به راه و روش مردم در گذری از زمان پی ببرم. هرگونه داده‌ای را که می‌شد در شاهنامه پیدا کرد در چند ثانیه پیدا می‌کردم. کار به جایی رسید که حتی می‌توانستم به منش و توانایی‌های فردوسی هم پی ببرم، برای نمونه فردوسی از هوش و یادمان^۱ بسیار شگرفی برخوردار بوده، وی بیش از یک صد و پنجاه بار در سراسر شاهنامه بامداد گشتن یا فراز آمدن خورشید را به چامه گفته است و این هرگز هیچ کدام بازکنشی^۲ نیستند و این شگفت آور است. یا اینکه شناخت روان‌شناسی فردوسی از مردم ایران بسیار درست و موشکافانه بوده، وی از مهر ایرانیان به شاه، مین، وانی، پهلوانی، خدانشناسی، آزادگی، درستکاری و همچنین آگاهی آنها از دیو و اهرمن آگاه بود. دسترسی به همه‌ی این داده‌ها نشدنی بود اگر دو سال زمان برای رویه برداشتن شاهنامه سرمایه گذاری نمی‌کردم. ناگفته نماند، که رشته ویژه دانی^۳ خودم (دانش رایانه) هم در این راستا کاربرد بسزایی داشت.

به راستی نوشتن این کتاب با فراهم نمودن فهرست زمره‌ی بررسی آغاز شد. در پاییز سال ۱۳۸۹ در نمایشگاه کتاب شیراز به کتابچه فروهر و نگار^۴ از نوشته آناهید خزیر برخورد کردم. این کتابچه دو خواسته را پی می‌گرفت، نخست اینکه نگار^۴ فروهر [که من آن را نماد اهورامزدا می‌خوانم]^۴ را بازگو کند، دوم اینکه همتراز پارسی

^۱ حافظه^۲ تکراری^۳ تخصصی

^۴ برای آگاهی ژرف و گسترده در پیوند با نماد اهورامزاد (فروهر) به بخش "نماد اهورامزدا و اعتقادات ایرانیان" در کتاب دیگرم "راز کوروش بزرگ" چاپ سوم روی آورید.

(چیزی نزدیک به ۱۲۰۰ واژه) از واژه‌های بیگانه را که بیشتر تازی^۱ بودند را شناسایی می‌کرد.

پس از خرید کتاب، نخست فهرست واژه‌های پارسی آن را به صورت یک فایل PDF^۲ در آوردم و برای بازدید همگان روی تارنمای خویش^۳ گذاشتم. پس از چندی ر آن سدم تا واژه‌های پارسی همتراز واژه‌های بیگانه را که از این کتاب به دست آورده ردم گسترش دهم. برای این کار نخست به فرهنگ آ-ی ۱۲۸۰ رویفای معین روی آوردم. از آغاز تا فرجامین رویه یک به یک همه‌ی واژه‌های بیگانه که بیشترین کاربرد هستی داشتند همراه با همترازان پارسی آنها درآورده و به فهرست واژه‌های پارسی که از کتاب فوهرر^۴ خارج گرد آورده بودم افزودم. در پایان این بخش از کار، شمار واژه‌های بیگانه سه هزار پارسی آنها را گرد آورده بودم نزدیک به ۴۵۰۰ واژه بود.

برای بار دوم، از نو، همه‌ی رویفای فرهنگ آ-ی معین را از آغاز تا به پایان واژه به واژه بازبینی کردم. در این بخش از کار در پی آن دسته از واژه‌های بیگانه می‌گشتم که ممکن بود در دور نخست آنها را نادیده گرفتم باشم. پس از آن، برای سومین بار و باز هم از نخستین تا واپسین رویه یک به یک همه‌ی واژه‌ی فرهنگ آ-ی معین را باز بینی کردم و این بار پیگیر واژه‌های پارسی بودم که بتوانم در واژه‌های بیگانه قرار دهم. این بخش از کار سخت تر و زمانبرتر از دو بخش پیشین بود. زین پس همه-ی واژه‌های پارسی که در فهرست واژه‌های نا/شنا در شاهنامه گرد آورده بودم را بازنگری کردم و هر آنچه از این واژه‌ها را که می‌توانستم به درستی در برابر واژه‌های

^۱ عربی

^۲ فایل PDF شیوه‌ای از نگاهداشت و نمایش مطالب در رایانه است که امروزه بیشتر در اینترنت به کار گرفته می‌شود.

^۳ www.karamipour.miau.ac.ir

بیگانه در فهرست واژه‌های پارسی جای دهم، جای دادم. پس از پایان این بخش از کار، شمار واژه‌ها در فهرست واژه‌های پارسی نزدیک به ۵۵۰۰ بود. در واپسین گام همه‌ی این ۵۵۰۰ واژه را با بهره‌گیری از گونه‌ی رایانه‌ای فرهنگ بزرگ دهخدا یک به یک راستی آزمایی کردم، و هر آنچه را که نادرست یافتم از فهرست جدا کردم. شمار واژه‌هایی که از فهرست زدوده شدند بسیار کم بودند ولی این کار برای پالودن فهرست واژه‌ها بایسته^۱ بود.

خوشبختانه در ده‌گانه‌ای که گردآوری درون مایه کتابم رو به پایان بود از چاپ "فرهنگ پارسی" به که من خانم سیمین حلالی آگاه گشتم، در راستای بهینه کردن این کتاب، از کتاب خانم سیمین حلالی هم بسیار بهره بردم.

در درازنای این پژوهش مریدم^۲ که سه مار واژه‌های بیگانه با کاربردی فراگیر در زبان پارسی چیزی نزدیک به ۲۰۰۰ است و خوشبختانه به جز ۱۰۰ یا بیشینه^۳ ۱۵۰ واژه، برای دیگر واژه‌های بیگانه، همتراز پارسی است می‌شود. زیباست که بدانید برای نزدیک به ۹۰ درصد از واژه‌های بیگانه بیش از یک واژه هم‌تراز پارسی فراهم است. برای درصد بالایی از واژه‌های بیگانه بیش از دو یا سه همتراز پارسی و برای برخی از آنها شمار واژه‌های همتراز پارسی به ۶ یا ۷ واژه و حتی بیشتر هم می‌رسد.

در پیوند با خواندن شاهنامه و دریافت درست آن باید بگویم که افزون بر جستار پارسی به فهرست واژه‌های ناآشنا و چم آنها، شاهنامه خوان پس از خواندن کمتر از یک دهک (۵۰۰ بیت) از شاهنامه رفته رفته به فرهنگ شاهنامه آشنا می‌شود و اندر یافت^۴ این فرهنگ است که به شاهنامه خوان کمک می‌کند تا شاهنامه را بهتر دریابد. به سخنی

^۱ لازم^۲ متوجه شدم. هر آینه می‌توان واژه "دریافت" را هم به کار برد.^۳ حداکثر^۴ درک

دیگر در ابتدا رواست اگر خواندن شاهنامه سخت بنماید، ولی با کمی شکیبایی شاهنامه خوان رفته رفته بر شاهنامه چیرگی پیدا می‌کند. برای نمونه آنگاه که خود آغاز به بررسی و جستار در شاهنامه کردم، ساده بگویم، آگاهی‌ام از شاهنامه هیچ و پوچ بود ولی در فرجام، کار به جایی رسید که بر خود روا می‌داشتم به دیده یک کارشناس، خود بنگرم.

برای فراهم نمودن فراگیرترین فهرست از واژه‌های سخت و ناآشنا در شاهنامه و موسکافه^۱ ترین نام برای آنها، شیوه کار به گونه زیر بود:

نخستین واژه‌ای این فهرست همان‌هایی (نزدیک به هشتصد واژه) بودند که خودم در درازنای جستار بر شاهنامه گرد آورده بودم. پس از آن به فهرستی از واژه‌های ناآشنای شاهنامه در اینترنت پرداختم که به کوشش آقای فرامرز جوشن لو گردآوری شده بودند. فهرست آقای جوشن لو به واژه‌نامه آقایان استاد پرویز اتابکی، استاد عبدالحسین نوشین، استاد محمد علی اسلام‌نوش و گردآوری از داستان‌های استاد فریدون جنیدی فراهم شده بود. با بدکرداری، ابانه همه‌ی واژه‌هایی را که در فهرست آقای جوشن لو بودند، یک به یک در متن رایانه‌ای شاهنامه‌ای که خود فراهم نموده بودم جستجو کردم. چنانچه چمی که در فهرست واژه‌های آقای فرامرز جوشن لو برای واژه‌ای گزیده شده بود در همه‌ی رخدادهای شاهنامه در دسترس بود، آن واژه را همراه با چمش به فهرست واژه‌های ناآشنا در این کتاب افزودم، و بزرگه از افزودن آن واژه پرهیز کردم.

برای شمار اندکی از واژگان فهرست آقای جوشن لو، چم بیانگر واژه در همه جای شاهنامه به درستی گویا نبود، هرآینه این دریافتنی است^۱، چرا که شدنیست که در

بخش‌های نخستین شاهنامه (چند صد یا چند هزار ابیات آغازین) چم برگزیده برای واژه‌ای درست باشد، ولی همان گونه که پیش از این گفتم جستن واژه‌ای در همه‌ی شاهنامه بدون بهره‌گیری از رایانه کاری بسیار توان فرساست و چنانچه شمار واژگان فزون باشد این کار دست نیافتنی است. از این روست که در گذشته برخی از پژوهشگران به نخستین چم که به درستی گویای واژه‌ای بود بسنده می‌کردند، ولی همین چم برای همین واژه در بخش‌های سپسین شاهنامه می‌توانست نادرست باشد. برای نمونه ر شاهنامه واژه "ارژنگ" نام دیوی است از مازندران ولی همین واژه در بخش‌های سپسین شاهنامه چم "نقش و نگار" دارد و در جای دیگر نام یکی از یلان توران و از جنگاوران توران است. تک بنگرید:

بنابراین یا باید چم واژه را مرتب‌تر کرد یا اینکه آن را از فهرست زدود.

سرانجام اینکه، تنها آنچه از واژه‌های فهرست آقای جوشن‌لو را شایسته و درست دانستم به فهرست واژه‌های این کتاب افزودم. همین برخورد را هم با فهرست واژه‌های شاهنامه چاپ سنگی و فهرست واژه‌های شاهنامه چاپ ژول مول و فهرست واژه‌های کتاب "لغت‌شهنامه" نوشته آقای عبدالقادر بن عمر بنیادی ترجمه آقای دکتر منصور ثروت کردم. هرآینه، این را هم بگویم که در این رهگذر، به ندرستی چم برخی از واژگان که خودم گزیده بودم پی بردم که بازسازی شدند. دستاورد آقایان آن شد که این کتاب دارای فراگیرترین فهرست (بیش از ۲۰۰۰ واژه) از واژه‌های سنگی و شاهنامه شاهنامه همراه با چم آنها باشد. امیدوارم که این کتاب شمار زیادی از هم‌میهنان ارجمند را به شاهنامه‌خوانی و پالایش زبان پارسی برانگیزد.